نشانه‌شناسی اولین رمان اجتماعی ایران

عنوان نخست‌تر

استادیار دانشگاه تربیت معلم تهران

کلیوم قربانی جوباری

چکیده

تهران مخوف اثر مشخصی کافی اولین رمان اجتماعی ایران داشته شده است؛ در این مقاله تلاش کرده‌ایم نشان‌دهندگی این رمان را از منظر علم نشانه‌شناسی نتیجه کنیم و به این پرسیده پاسخ دهیم که نشان‌های این رمان به چه نظام‌های طبقاتی دلالت دارد؟ و آیا این نشان‌ها اپیدمیولوژیکی هستند؟ به این منظور ابتدا به تعریف علم نشانه‌شناسی و نشانه‌شناسی اجتماعی پرداختیم و سپس چگونگی مختلف نشان‌های اجتماعی رمان مخوف را در حوزه‌های هموار و حاد و معاشرت به رسمی کرده‌ایم و به این نتایج رسیدیم که کافی‌اند به عنوان نویسنده رمان اجتماعی دوره اولیه، به‌خوبی از نشان‌های بهره‌گرفته و به‌کارگیری درست آنها توانسته‌اند. نمایش ارتباطات نامه‌سازان اجتماعی نظر اخلاق طبقاتی، نظام دولتی، ضعیف‌کشی و... فهم مه‌های اپیدمیولوژیکی این نشان‌ها را به‌وضوح نشان دهند و همواره به تقابل و نظارت نشان‌های متغیر و غیر جنبه‌های خوشنام تهران واکنش و عصر قاجاری را به‌نامش‌پذیرد.

کلیدواژه‌ها: نشانه، نشانه‌شناسی اجتماعی، رمان اجتماعی، تهران مخوف، مشق کافی‌اند.

neghabi@tmu.ac.ir
kolsoomghorbani@yahoo.com

دانشجوی دکتری دانشگاه تربیت معلم تهران

*^

تاریخ دریافت: 15/10/1389
تاریخ پذیرش: 1389/2/14

مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، سال 18، شماره 67، بهار 1389
مقدمه

مکتب واقع گرایی در ادبیات داستانی با پدید آمدن داستان‌های اجتماعی و ترجمه آثار نویسندگان پیشرو جهان و نیز تأثیرات نویسندگان متمایز ایران ایجاد شده است. در این دوره گشایش مزده و نفوذ عقاید بیشتر بر نحوه نگرش نویسندگان ایرانی به ادبیات و زندگی تأثیر نهاد و نویسندگان و روش‌های یافتن جامعه که شاهد فقر و بدبختی مردم بودند و از توزیع ارکان جامعه ساخت ناخستند، درباره واقعیت روز و مشکلات مردم و جامعه داد سخن دادند. این گراپایی‌ها را در داستان‌های کوتاه، مقالات و نوشته‌های انفعالی و رمان‌های اجتماعی می‌توان دید.

رمان‌های اجتماعی به عنوان گونه‌های برآمیده ادبی، برخاسته از واقعیت‌های جامعه و در برداشته ویژه‌ی های زندگی اجتماعی هر عصر و دوره‌ای هستند. از تولید اولین رمان در قرن هفدهم تا تولد رمان اجتماعی در دور قرن بعد می‌توان دریافت که تولد رمان اجتماعی با آگاهی انسان از هموی فردی و اجتماعی خوش هم‌زمان است. از نخستین گام‌هایی که در این عرصه در ایران برداشتی نشانه‌ی مخفف مشتق کاظمی است. نویسنده در این رمان به چنین نمایش معایب و مفاسد و برگزار خویش نوشته و عنوان از گویای جنبه‌های خودنک تهران در دهه نخست قرن چهاردهم است. تهران در این اثر، در آستانه کودتای ضربت سبز، مخفی شده است که فضال و کمال و پاکدامی در آن ارزش و اعتباری ندارد و نادانی، هرزگی و وابط نامناسب درخواهد رواج بسته و بر نالایی‌ها بازگذاری است. آزادی خوانندگان و مهندسین در زندان به سر می‌برند و جوانان هرزگی و جالبی و تجرید و آزادی کامل در عشق زنان معرفی می‌شود ترجمه می‌دهند. این اثر در واقع آینده تئام نهایی شرايطی است؛ اوضاعی و احیایی آشفته و خوفناک که اعتراض مشتق کاظمی و دیگر روش‌ها فکر ایرانی را در پی دارد.
نیویسندگان و رمان مشهور تهران مخفی در عرصه این اعتراضات، تصویر روش و زندگی از تهران آن روز‌گار ارائه می‌دهند. با توجه به این شهرت بر آن شادیم نا مانند ایجاد نظم نظام ایرانی بوزوآ، نظام‌های مذهبی و سیاسی مرتبط است؟ و آیا این نشانه‌ها در نظام‌های ویژه خود مناسب حال و مقام به کار گرفته شده و در برداشتن بار ایدئولوژیکی است؟ باید این این همکاری قبل از یک‌دیدگی به این مقاله باشته است به تعیین علم نشانه‌شناسی و یکی از شاخص‌های آن یعنی نشانه‌شناسی اجتماعی پیش‌زمین.

تعريف نشانه و نشانه‌شناسی

نشانه‌شناسی اجتماعی به عنوان یک مدل (دلالت‌کننده) با مدلول (دلالت‌شوره) است. دال صورتی است که نشانه به خود می‌گیرد و مدلول، معنا و مفهومی است که نشانه بر آن دلالت دارد (ضیمر، 1382: 40-41). از این منظر نشانه همیشه دو روز دارد: دال بدون مدلول باید به عبارتی دالی یکی به هیچ مفهومی دلالت نکند، دریافت‌پذیر و شناختی نیست. پس هر دلیل بر مدلولی دلالت دارد که به جمع این دو نشانه می‌گویند. نشانه می‌تواند هم تک‌عنایی باشد و هم به‌معنایی. معناهای گوناگون هر نشانه‌ها مخاطب در تأویل خود یعنی در ارتباط دادن مدلول به سخن می‌آموزد (احمدی، 1383: 33). نکته مهم در تعیین نشانه این است که ارزش و نقش هر نشانه به روابط آن نشانه با دیگر نشانه‌های درون نظام وابسته است (سجادی، 1383: 15). نقش نشانه این است که چیزی دیگر را در یافتن مشخص بزنمایی کند، مثل جراح قرمز که بر توقف دلالت دارد. هر نشانه در جای‌جواب یک نظام نشانه‌ای معنای دارد. به نظر بی‌منیستش معنی‌های چنین نظامی عبارت‌اند از: 1. شیوه‌های عملکرد آن (چگونه یک نشانه ادراک می‌شود؟); 2. بافتی
که این نظام در چارچوب آن اعتبار دارد؛ ۳. سرشت و شمار نشانه‌های آن؛ ۴. نحوه ارتباط میان نشانه‌ها در چارچوب یک نظام معین (مکاریک، ۱۳۸۵: ۳۲). نشانه‌شناسی علمی است که به مطالعه نظام‌های نشانه‌ای نظیر زبانها، رمزگانها، نظام‌های عدلی و غیره می‌پردازد. در این علم منظور از نشانه‌ها ‘همه علایق’ است که بشر برای ارتباط با هم نوع خود از آنها استفاده می‌کند. نیاز این کلمات، حرکات، اشارات، شعرها و... را دربرمی‌گیرد. این اصطلاح به معنی زبان اشکال در قرن هفدهم به کار می‌رفت (کادن، ۲۰۰۶: دیل. عموماً پذیرفته شده است که در میان نظام‌های نشانه‌ای، زبان وضعیت منحصر به فرد و مستقل دارد و این به ما امکان می‌دهد نشانه‌شناسی را علمی که به مطالعه نظام‌های نشانه‌ای غیرزبانی می‌پردازد. تعریف کنیم. براساس این تعریف نشانه‌شناسی مطالعه نظام‌های همه عواملی است که در تولید و تفسیر نشانه‌ها یا در فارغ دلیل شرکت دارند. از این جهت که هر نشانه منضمن وجود نظامی ـ هرچند ساده ـ است که در چارچوب آن نشانه می‌تواند افاده مجدد کند و خارج از آن بافت با نظام نمی‌توان به بررسی نشانه پرداخت (مکاریک، ۱۳۸۵: ۳۲۳). نشانه‌شناسی به دست فردیناندو سوسوری به مثابه علمی که به بررسی زندگی‌نشانه‌ها در دل زندگی اجتماعی می‌پردازد و طرایح شد؛ از نظر اثر در علم نشانه‌شناسی دال و مدلول وحدت دوسویه دارند که این وحدت دوگانه اغلب با وحدت شخص انسان متشکل از بدن و روح مقایسه می‌شود (حقیقی، ۱۳۷۴: ۲۷۵). در نظام نشانه‌شناسی نه تنها زبان، بلکه تمامی اینگارنها و تصاویر، آواها، اشیا، حرکت‌ها و ادایا و خلاصه تمامی آن بدنه‌هایی که درون نظام نشانه‌ها حضور دارند، صرفاً در حدّی ارتباط مطرحند و ‘تمامی کنش‌های ارتباطی با حضور رمزگان معنا می‌پانند که از دید تاریخی و اجتماعی شکل گرفته‌اند. بلندپایه آن نشانه‌شناسی به گستره مناسبات نظام نشانه‌ها و نظام ایدئولوژیک وارد می‌شود (احمدی، ۱۳۷۶: ۳۲۳).
برخی به پیروی از سوسور، مفهوم ناشناصی و رمزگان را به اشتراک از ارتباطات اجتماعی نظر آن‌ها، مراحل، آمیخته و غیره گسترش می‌دهند. در نهایت برخی دیگر اعتقاد دارند که هنر و ایده‌های اشتراکی از ارتباط هستند که بر کاربرد نظام‌های ناشناصی استوارند (گریو، ۱۳۸۱: ۱۶).

نشان‌های اجتماعی

یکی از شاه‌های علم ناشناصی، نشان‌های اجتماعی است که به مطالعه زندگی نشان‌ها در جامعه می‌پردازد. این علم بخشی از روان‌شناسی اجتماعی و در تبیه روان‌شناسی عمومی است (اسکولز، ۱۳۸۳: ۳۵). نشان‌های اجتماعی (رمزگان‌هایی) هستند که به شخص گونه‌ای شناخت می‌بخشند اطراف و اطرافیان را می‌دهد. از این طریق شخص می‌داند با چه کسی رابطه دارد و هویت اشخاص و گروه‌ها را باز می‌شاند؛ (گریو، ۱۳۸۱: ۱۷۷). این علم معلوم می‌کند که نشان‌های اجتماعی از چه شکل شده‌اند و چه قوانینی بر آن‌ها حکم‌فرماست.

نشان‌های اجتماعی، زندگی منطقی و عاطفی‌های را برای کسانی که معرفت نشان‌های اجتماعی دارند فراهم می‌سازد. این نشان‌ها کار کرد مجازی دارند. یعنی هر نشان‌های اجتماعی یک نوع مجاز جزء از کل محصول می‌شود. با توجه به این کارکرد، نشان‌های اجتماعی هر جامعه بیانگر روحیات و حالات آن جامعه و نشان‌دهنده‌شرايط مختلف اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و... در بافت اجتماعی است. هر نشان‌های جزئی از کلیت و فضای کلی حاکم بر جامعه است و در تبیه وقت نشان‌های مختلف جامعه و فرهنگ در کنار هم قرار می‌گیرند، می‌توان به شرايط و اوضاع اجتماعی سیاسی، فرهنگی و ایدئولوژیکی هر بافت و جامعه‌ای پی برد. هنگامی است که از نشان‌های در درون نظام اجتماعی فقط به دلیل تفاوتی که باین نشان‌های دیگری دارند، معنی دارند
الف) نشانه‌های هویت: نشانه‌هایی که بیان تعلق فرد به یک گروه اجتماعی، اقتصادی، سیاسی یا جن‌آن است و کارآیی طبقه‌بندی نظام‌های مختلف اجتماعی در هر جامعه است که خود به شاخه‌های مختلفی تقسیم می‌شوند (همان، 198). از جمله آرم‌ها، پرچم‌ها، پرچم‌های لباس‌ها و سیگنال‌ها، نشان‌ها و مدل‌ها، حال گروه و آراپیش‌ها، نام‌ها و الکاب، شغل‌ها و مکان‌ها.

ب) نشانه‌های آداب معاشرت: نشانه‌هایی هستند که گروه‌گرایی ارتباط انسان‌ها را با یکدیگر تحت شرع قرار می‌دهند. این نشان‌ها شامل لحن کلام (خودمانی، محتمره‌گر، طنز‌آمیز، آمرنگ و ملایم)، توهین، اطوار و حالات و انواع غذاهای می‌شود (همان، 199). می‌توان گفت نشان‌ها و شاخص‌ها، نشانه‌های تعلق فرد به یک گروه اجتماعی و اقتصادی هستند و کارآی آنها این است که سازمان‌های جامعه و روابط میان افراد و گروه‌ها را به نمایش بیگذارند. ما در این مقال از طریق آن نشان‌ها و شاخص‌ها ارتباط میان علم نشانه‌شناسی و زندگی اجتماعی را در رمان نهروان مخوف بررسی کرده‌ایم.

نشانه‌های اجتماعی در نهروان مخوف

الف. نشانه‌های هویت: این نشانه‌ها ابزارهایی هستند برای تمایز و دسته‌بندی و تعیین گروه‌هایی که مجموعه آن‌ها جامعه را می‌سازند و در اصل انواع و رده‌بندی‌های اجتماعی اند. افراد یا گروه‌هایی که طبقه‌بندی یا نام‌های فیزیکی دارند، در نهروان مخوف بر اساس فاصله اجتماعی و محدودیت کلی حاکم بر جامعه آن روزگار به طبقه کاملاً متغیر و متغیری تقسیم می‌شود؛ این اشکال که در رأس جامعه می‌باشد و طبقه فرادست را شکل می‌دهد و درکی طبقه‌ای که در تقابل با گروه نخست هستند.
نماهنگی اولین رمان اجتماعی ایران، صص ۱۴۳-۲۱۶

این گروه طبقه‌ای ضعیف و حقیراند که در رده فروندست قرار می‌گیرند. هر دو گروه از منظر نشاندهای هویت‌شناسه‌های خاصی دارند که سازمان‌بان‌های آن‌ها در جامعه و روابط آن‌ها با دیگر افراد جامعه را به نمایش می‌گذارند. طبقه متوسط جامعه در اوج و حضیصد طبقاتی این رمان جای ندارند. نشاندهای و شاخه‌های هویت در رمان تهران مخوشه انواع گوناگونی دارند از جمله:

1. لباس‌های و پویجوره‌ها: در تهران مخوشه لباس‌ها به نظام‌های خاصی تعلق دارد.

نوبت‌دیدن فهرمانان داستان خود را از لحاظ مختلف اجتماع برگردیده که این طبقات نظام نشان‌های مخصوص به خود را دارا هستند و در نتیجه به فراورده علایق خویش لباس‌های خاصی می‌پوشند که طبقه اجتماعی شان را نشان می‌دهد. برای مثال طبقه فرادست شغل ماهوتی (۱۰۰)، کلاه کوچکی از پرست (۴۰۰)، عصبی کوه‌های آهاردار (۳۱)، سردایری ماهوتی آبی رنگ چین دار (۸۳)، شال ابریشمی (۳۶)، شلوار گان‌پای ماهوتی آبی رنگ (۸۲)، تنمه نازک ابریشمی (۱۸۷)، کراوات تیره رنگ (۱۸۷)، پالتو (۱۷۳)، شال (۱۷۳)، سردایر سیاه (۲۱۳)، کراوات شاه‌توتی (۲۸۱)، پیراهن ابریشمی (۲۱۳)، کفشدس سیاه برگی (۴۸)، خرد رنگی (۴۸)، کفشدس پاشنه‌دار (۴۸) کلاه پوستی درشت معرفی به باخ‌باخی (۱۲۸) و پودر کوبند.

نمونه: شنی از ماهوت سیاه دوخت فرینگ بر دوش انداخته و کلاه کوچکی از پوست بر سر گذاشته و عصبی کوه‌های که شکل شلاق را داشت و روی پوست بود در دست گرفته بیش از آن (۱۰۰).

در مقابل این طبقه، طبقه فروندست است که فشرد ضعیف و طبقه پایین جامعه را تشکیل می‌دهد. این طبقه از جامعه به علت اوضاع نامساعد و وضع فرهنگی درست نقطه مقابل طبقه فرادست جامعه‌اند که لباس زولیده و مندرس و دوخت قدیم می‌پوشند.
(۲) کلاه نمی‌برد: سر می‌گذارد (۲۷۴)، قاجاری گشاد بر تن و گلش به‌پنا می‌کند

۲۴

نمونه: چادر سیاه او حالا به‌چادر زنگی از پارچه مانند جاجیم که زنهای قمی بر
سر داشتهند تبدیل شده بود و قاجاری گشادی به‌پنا کرد. (۱۴۲)

۲. القاب و نام‌ها: نویسنده توانسته از رهگذر نام‌ها و القاب، فیبر را از غنی‌متماژ
کند، استفاده از نام‌ها و القابی که طبقه اعیان با خود بی‌کنن و بی‌این القاب
گویی هیچ‌یک و هیچ‌هویت مستقل ندارند. القابی چون … السلطنه (۱۵۱)، … الدوله
(۱۸۱)، ظلم السلطنه (۴۴)، شاهزاده (۲۹۹)، علاءالدوله (۱۶۵)، ارباب (۱۸۳)، حضرت
شرف (۲۶)، خاندان برگ (۲۷۴). اشراف و اعیان با این القاب و عناوین باشکوه و
پرماخاره در جایگاه آمر و فرمانده قرار می‌گیرند و اختلاف فاحش آن‌ها از نظر سطح
طبقاتی با دیگر افراد جامعه به خوبی نشان داده می‌شود.

در طبقه فردودست، افراد بی‌پشاعت و ضعیف‌الحال، با کفت‌اند (۲۱)، با رعایت
(۱۶۸)، با نورک و بنده (۳)، به جای این که خانه‌هایی محترم خطاب شوند لقب باجی
(۳۷)، بی‌بی‌گی (۲۱)، را به همراه دارند. القاب و عناوین آن‌ها نیز مانند دیگر شرایط
ناماس‌زادان از بدبختی و فقر و مسائل منبع‌ت از نادری‌شنای حکایت می‌کند.

نمونه: حسن رزه بر‌گشت. پیام کیست (۹۶).

نمونه: در این صورت جز آن‌ی برای اجرای مقاومت من نبود و مقامی قسیمی می‌رفته

مدرس پرایم ندایشی (۷۱).

علاوه بر اختلاف طبقاتی در القاب، شاهد تماشای در نام‌ها و اسم‌ها نیز هستند. در این
داستان افراد فردودست را با نام‌شناسی من شناسند، بلکه با القاب‌شان معنی‌هایی می‌شنود و اگر با
برخی از آن‌ها که به‌ناپای نام‌هایشان مخربی شده‌اند روی‌هایند روی‌های‌های باشکوه و مطلقوی هستند که نشان از اعیان‌بودن آن افراد دارد. نام‌هایی چون ملک‌نام‌ی
نامه‌شناسی اولین رمان اجتماعی ایران، صص 193-216

خانم (۱۱۴)، سیاوش میرزا (۴۴)، احمد علی‌خان (۱۴۵)، مهین (۱۵۱)، محمد حسین‌خان (۲۹۰)، علی‌اشرف‌خان (۲۲۴).

نمونه: ملل‌دزاخ خان، مكان‌دار شوه‌شکار از دو کتاب گذشته را فراموش کرده بود.

(۱۶).

نمونه: سیاوش میرزا می خندید و گفت‌هایی محمد نصیری را با میل تمام‌گویی می‌داد.

(۳۹).

نمونه: محمد حسین‌خان لطف فرموده بودند اقدامی هم برای نجات این یک بدخیمت

بفرماورد (۲۹).

اما تمام‌های طبقه فرودست همانند القاب‌شان یک شکوه و حضور است. آن‌ها دارای اسم‌های مناسب که همیشه حس قدرت و شکوه و اقتداری را در وجود خوانده

برنامه‌گیری‌نهایی، نامه‌هایی مانند پول (۱۵۹)، با‌پره‌لند (۲۲۲)، رضا‌قلی (۳۴۹) از این گروه است.

نمونه: رضا قیل تعیین کرد و از در خارج شد (۳۴۹).

نمونه: حسن قلی‌ها هر چند کوشش می‌کردند، خانم را آرام ساخته (۱۴۰).

۳. شغل‌ها: به تبع القاب و یابه، شغل‌ها نیز در جامعه به دو صورت سیاسی و سفید بین مرم متفاوتی شده است؛ با توجه به نشانه‌های شغلی در تهران مخفیف، شغل‌طبقة‌الا و

متداول از نوع شغل‌های سیاسی و امنیتی و حساب است. آن‌ها معاون اداره محاسبات

(۲۱)، کیل (۲۷)، تاجر (۵۴)، دکتر (۵۶)، صاحب منصب (۱۰۲)، ریبیف (۳۴)، وزیر (۹۲)، ریف (۴۷) و کل (نام‌بندی) مجلس (۱۶۷) و... هستند. نویسنده از این به‌دست‌گیر

توانسته‌شان دید که فضای سیاسی حاکم بر جامعه چگونه است و چگونه به دست چه

کسانی اداره می‌شود.

نمونه: اگر می‌بایست رئیس‌الوزرا بودم حتی حالا وزیر و یا اقلا معاونت یکی از

وزارت‌خانه‌ها را داشتم (۳۰).
نمونه: اینک آقای ف...السلطانه هم ثروت سرشاری به دست آورده و با دادن رشوه زیاد و تسهیلات گوناگون مقام مهمی را نیز در یکی از وزارت‌خانه‌های اشعار کرده (۱۵).

شغال‌ها مذکور، شغل‌های مهمی هستند که در اختیار عده‌ای خاص از اشراف و فنونال‌ها قرار دارد که برای مردم تصمیم می‌گیرند و به جای آن‌ها عمل می‌کنند، اما در مقابل شغل مردم تهی دست شغل‌های خشک و بی‌باری است که هیچ‌تأثیری در آسیب و آرامش زندگی آن‌ها ندارد. شغل این گروه مطرب (۲۴)، قهوه‌چی (۷)، کارگر (۸)، دوره‌گرد (۱۶)، سوریه (۲۲)، سیرابی فروش (۸۱)، مدیر شهرخانه (۲۱۴)، باغبان (۱۶) و... است. شغل‌هایی که حتی زندگی این افراد را تأمین نمی‌کند و اوضاع اقتصادی و معیشت‌شان را به‌ندراد نیز به‌شنید.

طبقه اعیان با شغل‌های خود دانه آماده اقدام به خوش را گستره‌تر می‌کنند و با زد و بند و تبانی ثروتنان نیز افزون می‌گردد و در مقابل طبقه ضعیف شغل‌هایی چون نوکری و پیشخدمتی را نیز به رأی و صلاح‌دیده طبقه اشراف و فنونال‌ها از دست می‌دهند با شغلی جدید در همین سطوح به دست می‌آورند.

نمونه: قهوه‌چی که با اخلاق نام داشت به شید. (۷).

نمونه: پدرم گرچه قصاب بود گوشت گربه و سگ‌می‌فروخت ولی با همه این زندگی‌ها کار و بارش خیلی خوب نبود (۸۴).

نمونه: نادر خامنزکه صاحب، خانه‌میرض و ریاست آن‌جا را داشت (۸۴).

نمونه: ناهید خانم که صاحب، خانه میرض و ریاست آن‌جا را داشت.

۴. مکان: تقسیم شهرها به محله‌ها و خیابان‌ها نیز متضمن یک نظام دلالی است.

محله‌ها در بسیاری از شهرها با عنوانی که بر خود دارند، نشان‌هایی هستند که سازه‌های بی‌کاری اجتماعی را هر چهبی می‌خشنده و آن‌ها را متایز می‌کنند و پیش از هر جز کارکردها سازمان‌های اجتماعی است و از سوی دیگر وضعیت اقتصادی جامعه را مشخص می‌کنند. اماون و محله‌ها در بسیاری از محلات محروم نقد بسزا و در معرفی اجتماع و فرهنگ خاص حاکم برای خوانندگان دارند. مناطق و اماکن چون باغ پریگ و
دانشگاه شناسی اولین رمان اجتماعی ایران، صص 193-216

"دشکش در شمال تهران (163)، عمارت مسکونی (14)، وزارت تخته‌ها (15)، بنگ (20)، املاک (25)، املاک بیلادی (22) برای طبقه مرغه و متمول است که در آن مکان‌ها، بی‌دغدغه و بی تشویش روز گزار سپری کنند.

نمونه‌ها در محله شمال تهران در امتداد خیابان لاله‌زار چهارراه است که به چهارراه کنت موسوم است، در گوشه شمال غربی این چهارراه عمارت دو طبقه بزرگی واقع است (162).

نمونه‌ها: شاید نا آخر هفته به املاک خودمان که می دانید وضعیت بیلادی خوبی دارد برای تغییر آب و هوای برویم (162).

اما املاک و محله‌های زندگی طبقه فرودست در جنوب شهر واقع است و نویسنده این محله‌ها را به هم پررنگ نمایش داده است. این محله‌ها مانند چاله‌میدان (5)، قهوه‌خانه (2)، کوچه‌های تنگ و باریک و کوتاه (10)، خانه‌های کوچک (44)، محله مربیش (44)، مکان مربیش (211)، زندان (285)، شهر کشخانه‌ها (215) و... در جنوب شهر واقع شده است و نویسنده با توصیف این مکان‌ها و جزئیات جغرافیایی توجه خواننده را به شرایط نابسامان و آشفته مردم قلب می‌کند. املاک و محله‌های مربیش در جنوب شهر بدبینی و تلخ‌گری نویسنده را نشان می‌دهد و از این طریق فساد اجتماعی آن روز را به طور روش و زنده تصویر کرده است.

نمونه: در جنوب شهر محله‌ای است به نام چاله‌میدان که شیبادت زیادی به محله کورد و مراهک‌های پارس در جنوب سال قدم دارد، جه در این محله چاله‌میدان هم مثل آن محله پارس در قدم عده‌ای از مردم وجود دارند، که در اثر بی‌سوادی و بی‌اطلاعی از همه جا و همه چیز اخلاق غربی داشته (5).

نمونه: در یکی از این قهوه‌خانه‌ها جمعی گرد هم نشسته و صحبت می‌داشتند، دود چیق و تریاک‌ها و بخار سماور تمام فضای قهوه‌خانه را گرفت (6).
ب‌شناسه‌‌های آداب معاشرت: شناسه‌های هویتی نمودگار تعلق شخص به یک گروه
با انتساب به یک نهاد است، اما از سوی دیگر انسان‌ها از طریق ارتباط خود از خود دیگر معرفی می‌کنند و این ارتباط از طریق شناسه‌ها می‌سر می‌گردد. شناسه‌ها از قبیل
لحن کلام، اطلاعات و حالات و غیره شکل می‌گیرد و در دهنان مخوف نیز این شناسه‌ها به
وفور دیده می‌شود که کامل در طبقه‌بندی نظام اجتماعی جامعه مؤثر است.

1. لحن کلام: این شناسه‌ها می‌تواند شخصیت‌اند و به تناسب افراد و در موقعیت‌های
گوناگون تغییر می‌کند و یکی از عمومی‌ترین شوه‌های ایجاد ارتباط هستند. در نه‌آن
مخوف با چهار نوع لحن مواجع هستیم، خودمانی، محترمانه، آرمانه، ملامیم و مهران. 
اگر لحن کلام این رمان را رده‌بندی کنیم، لحن محترمانه و آرمانه ساده با‌النری دارد و
دیل این امر نیز بدبخته است، چرا که فضای داستان ارباب‌ریز ی است. طبقه‌مرفه
ارباب خطاب می‌شوند (11) و طبقه فروست سا آنان با احترام و فروتنی صحت
می‌کنند (10).
نمونه: آقا فرمایشی داشتید؟ (10).
نمونه: آقا حالا موقع این حرف‌ها نیست یخ‌پیچی برویم ممکن است دیر شود (42).
نمونه: بله قربان، دست‌زن ریسکه، بنده هم همان طوری که ام فرموده بودند
اطاعت کردم (13).

لحن خودمانی و مهرانی نیز در مبان طبقه‌فرودست رواب دارد که غم‌گزار و
همه‌در یکدیگر هستند، آن‌ها از جهت براحی و به‌جای هر گونه تشریفات دارد ول
می‌کنند. آن‌ها به‌محب‌گر می‌هرانی و علوفات آمیز دارد، به‌خصوص وقتی که مورد
سمت و ظلم قرار می‌گیرند.
نمونه: فرزند صبر کن، غصب مخور، برو با این مختصر بون قدی برای خانه نان گیر
(8).
نمونه: ای خدا چرا قلمی این طور گرفته است، چرا این انداده مشوم، برای محبو به عزیزم واقعه‌ای پیش نیامده باشد (19).

نمونه: خانم شما پاید خیلی مشاهده کرده‌اند باشید و مراحل را تقویت کنید (18).

2. توهین: از دیگر مشخص‌های بارز لحن‌ها در این داستان توخیم است. توهین‌ها متین بر دلیل مختلف هستند، یا به دلیل شمایند و مبارزه‌طلبی است با یا این دلیل است که فردست به فردست با دیده تحقیر و اهانت می‌گرد. اهانت‌های بسیاری در تهران مخفی دیده می‌شود که بیشتر موجه شخصیت‌های زن این داستان است و این مسئله نشان دهنده فضای خفیق‌های آور و بسته و ناعادلانه در مورد زنان است. دختره نادان (28)، دختر احمدی (31)، زینب احمدی (51)، زن‌های ناقص العقل (304)، دختره دیوانه (410) و... نشانه‌های هستند که دلالت بر حفارت و بی‌اعتباری. خشش نمای جامعه دارد که هیچ حق و حقوقی ندارند و همیشه در معرض آسیب‌های فراوان و سنتگین از جانب افراد مختلف هستند. زنان داستان کاظمی همگی سرخورد و به سواد و جشن و جوش به‌پردازند. از خود هیچ اراده و هویت مستقلی ندارند. اگر از طرف اعیان باشند فقط در قید و بنده و کرولاند که... السلطنه‌ها فقط برای پرستیز اجتماعی خودش آنها را به همراه خود دارند و اگر از طبقه فردست گرده و خوردند زور و بذیرختن جبر و تقدیر و سرنوشت محروم خوش و کلفت و خودفرشی کاری برای انجام دادن نمی‌دانند و نمی‌شانند.

در دوره تهران مخفی، وضع زن بهترین شناخت، ارتجاع و اختتام اجتماعی است؛ در زنانی اجتماعی و بخصوص در زنان مورد بحث مان آمار اجتماعی خارجی و عقب افتاده است که ناگزیر به جشن‌پوشی از عشق و تن دادن به ازدواج‌های ناخواسته و مفهوم تحقیرات ناشی از سنت چند همسری و طلاق‌های یک، طرفه است. نویسنده با تصویف وضعیت دختران و با دادن نشانه‌های حکارت آمیز، نگرانی خویش را درباره سرنوشت آن‌ها ثبت کرده و به بی‌عدالتی اجتماعی و روانی پیوندی که و
67

خراطیه در بین آنان اعتراض می‌کند (میربابادیپور، 1387: 55-56). تهران مخوف با
نشانی‌ها ۳ فرآوان در این ماه نشان دهنده واقعیت تلخ زندگی زنان جامعه عهد قاجار است.
نمونه: یکی از آن دو خانم که مسن تر به نظر می‌آید... نگاه‌های سطحی و عضلات
پی جرخت قیافه اش نشان می‌داد که خیلی از دنیای بی‌خبر است و به آسانی فریب حرف و
تعلق دیگران را می‌خورد (1).
نمونه: فیروزه با چادرباف ناماز بنده گفت: آقا من که سواد ندارم و لی لانچه می‌شنوم از
کتاب‌های است که در آن گفتگو از عشق و عاشقی است و می‌گویند خواندن آن‌ها
سواد انسان را هم درست می‌کند (10) (1).
علاوه بر توهین به زنان، توهین و تحقیر به افراد ضعیف هم در این رمان دیده
می‌شود. توهین‌هایی جوان: خرامزده (143)، بی‌شرافت (43)، مردمان بیست (24)،
مردمان بی‌سواد، مردم پرور و وقیح (45)، مردم دروغ‌گو و بیدجنس (46)... را
می‌پدید. این افراد در مقابل دست‌نام تها طاعت و نوکری می‌کنند و توانایی مقابله ندارند.
نمونه: محمدتقی، فضول موقوف، بگذار بی‌نیم (47).
نمونه: ویل آن حرامزاده را بکذبید (202).
نمونه: پسره احتم و قسول چه عقاید سخيف و باطلی دارد و چه مهمالی می‌گوید
(137).
3 اطوار و حالات: نشانه‌های هستند شامل حالات های چهره، ایما و اشراه که از
تحليل آنها می‌توان شخصیت فهمندان داستان را نشان‌نشان کرد و در بی‌آن به
بیان‌های فردی و اجتماعی دست یافته. در تهران مخوف فضاهای محیطی و خلف‌الدیار و
دوبقی داستان رفنار و حالات دوگانه‌ای را در بی‌دند. افسردگی (118)، چهره
عبوس (20)، گریه و زارد (50)، اضطراب (109) ظاهر سخت (7) مربوط به زنان
شکست خورده و فشره رنج دیده است و غم و اندوه فراوان، چهره‌های آن‌ها را دزم و
اهم‌آگید می‌کند.
نامه‌شناسی اولین رمان اجتماعی ایران، صسن ۱۴۳۳-۲۱۶

نمونه: این جوان که در حدود بیست و یک سال به نظر می‌آمد... ظاهری مسکن

نمونه: جمع‌یافته‌ای نهایت مربک از اصناف مختلف بود و فقط در آن میان

نمونه: اما در مقابل، اعیان و فرادست حالات و اطواری چون خون‌دهنده‌های بلند (۲۱۱)،

نمونه: ف...السلطنه که تا آن زمان بلند می‌خندید یک مرتبه قیافه جدید به خود

نمونه: سپاهی میرزا به میان می‌همانهد امکان این که سلام و تعارف درستی به

نمونه: ۴. نوع غذا: خوراک نیز یکی از نشانه‌های مهم تغییر هوریزون‌ها و آداب رفتار

نمونه: ماهی (۲۲)، بوقلمون (۲۲)، گیلاس‌های شریف‌تی (۲۱۶)، شیرینی (۳۵۶)، کنیک و

نمونه: شده می‌باشد (۲۲).

نمونه: از میز ناهارخوری اقسام خوراک‌ها از ماهی و جوجه و بوقلمون چیده

نمونه: فلتخانه زرگری از چای و ظرفی از نان شیرینی در جلویی گذارد (۳۵۶).

نمونه: و عاقبت هم ساختی به نوشیدن چای و قهوه و کاکائو و شوکولات و شیر و

خوردن کره و سرشیر و مربی و میوه می‌گذارند (۲۱۶).
اما طبقه ضعیف و فروست به نان خشک (7)، خیار (91)، عرق سگی (29)، آش (226)، خورش کدو (189)، آب خالی (226) و آش کنسک (227) بسنده می‌کند.
نمونه‌های سه کدام خیاری برداشته و پوست کنده و نان خشک خود را با آب آن کامه کمی نرم کرده (47).
نمونه‌های امروز شما می‌دانید که من با ابن مزر ذهار بنج فرام خوب باشد هر روز غرب‌تان بگیرم و برای مردر و خواهرزاده‌هام برم و حالا برای خاطر این پیشامد سه روز است که غرب‌تان دست خالی خاته می‌رود (13).
نشنوهای سیاسی در تهران مخواف وجود دارد که هم‌گری دال بر اخلاف طبقاتی و تبعید موجود در جامعه است؛ از جمله داشت درشکه (3)، عمارت (14) و ... زندگی در شمال تهران، داشت باغ نرگ (15)، ثروت و دارایی، قابل‌جهت‌ها گران‌قیمت (29)، انگشت‌سری الماس (22)، انبیل (16) و ... متعلق به طبقه متمول و مربی‌خانه (24)، درد (16)، شیره (131)، آبله (54)، چاله‌می‌داهن (5)، منزل کوچک و ... به طبقه فروست اختصاص دارد.
با توجه به موارد ذکر شده باید گفت که نشانه‌های اجتماعی تهران مخواف روشن و صریح بان شده‌اند. نویندگی این نشانه‌ها را در جهت بدان اندیشه‌هاي اجتماعی خویش به کار گرفته است. این برای نشان دادن وضعیت اجتماعی آشفته و سیاسی عم‌مانا چاقاجی - حکومت پیر و رو به زوال - رمانی می‌نویسد که حاکمیت فرهنگ دو طلبه در آن کامل روشن و واضح است. نویندگی به کارگری نظام نشانه‌های مختلف از طبقه اعیان و طبقه قبر، آدم و رسو و قوانین خشکسک و پویسیده جامعه فشادی و اشراقی را به تصویر می‌کشد و با صراحت و سادگی، عشق و زندگی اخلاقی را می‌سندا. این برای این فضا رابه اگه‌ی از فرهنگ این دو فضا داشته است. این می‌دانسته است که طبقه اشراف هم عصرش چه می‌پوشند، چه می‌خورند، چه می‌گویند و همین طور طبقه ضعیف از چه نظام نشانه‌ای سهم برده‌اند. این با آشنا بی کام با آدام
ن شامله‌شناسی اولین رمان اجتماعی ایران، صص ۱۹۳-۲۱۶

بار ایدئولوژیکی نشانه‌ها در نهران مخفوف

مشکل کاملاً در زمینه روش فکری و درس خواندن‌گاه عصر فیل‌وار دارد و در برلن عضو هیئت تحریریه مجله‌های برتری شهر و فرهنگستان بوده است. این کتاب را در شرایطی نوشته که استناد اشاره‌ای بیداد می‌کرد. بنابراین می‌توان به قطع و یکین گفت که کاملاً این داستان را تهیه یادان عشق و دلدادگی بر جوان عاشق نوشته است؛ بلکه با توجه به پیشرفت سیاسی این رمان را به منظور مطرح کردن مسائل و مشکلات اجتماعی آن زمان نگاشته است و در زرفای آن علت همه این مسائل و مصائب را به اوضاع آشته سیاسی و حزب‌نشینی کشور پیوند زده است. اگر رمان نهران مخفوف این منظر و با شناخت کافی و واقع از نویسندگه، خواننده شود، بک یک عناصر و نشان‌های داستان، ممنوع و مفهوم ایدئولوژیکی به خود می‌گیرند. نویسنده در خلاص داستان به طور مستقیم به فضاوت می‌نشیند و به نکوهش اوضاع نبایه سامان مردان و زنان فرودست جامعه گردیده. پس می‌توان توجه گرفت که اگرچه نشانه‌های نهران مخفوف قاده و بی‌پیروانه به همراه دارند و بی‌پیروانه فکری، سیاسی و اجتماعی نویسنده‌اند که چگونه از این پی‌برداری سیاسی و اجتماعی رتبه می‌برد.

دیل دیگری که می‌توان این ادعای مثبت کرد عون‌های اولی است که در آغاز هر فصل از داستان مشاهده می‌شود. کاملاً با برای استهلال از طریق عون‌نامه می‌شرد.
خوانندگان، را با فضای کلی داستان و ادامه حوادث آشنا می‌کنند. اما انتخاب این عنوان‌ها، به خوانندگان ابزار نشان‌دهنده می‌دهد. با نشان‌دهنده که او در اختیار خواننده می‌گذارد، با صرایح احساس و تفکر خویش، فضای خویش را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ گوری عنوان هر یک از پارانهای سیاسی، به شرایط سیاسی اجتماعی و عصر نویسنده است که جهت گیری او را در مورد اوضاع منحصربه‌فرد و مسموم آن دوره به وضوح نشان می‌دهد. مانند این عناوین: فوهره خانه جالمدان (۱)، فلاکت مایه همه چیز است (۱۰)، محله مریض (۴)، دو سالوس (۱۲۴)، روان آشفت (۲۲۴)، وجود خیاب (۱۲۱)، اشك بیمار گان و بیدختان کجا فرو می‌رود؟ (۲۲۴)، آن جابه‌که سالوسی بیش از همه‌جا رواج دارد (۲۹۱) و...

نتیجه‌گیری

با تجزیه و تحلیل و بررسی تهران مخرب می‌توان دریافت که کاستومی توانسته یک‌پا خواهد را از طریق نشان‌ها بیان کند، هر چند سرشت و سروش قهرمانان داستان و بار گرفتی سرگنگشته آنها و خط سیر داستان برای کاستومی آن قدر مهم است که در لغات به فضای سیاسی آن روزگار می‌پردازد. اما همیشه توجه به سروش قهرمانان داستان، ما را با فضای اختیار آمر و نامن اندور آشنای می‌کند و با نشانه‌های به کارگرفته، به‌خوبی اوضاع آشفت آن عصر را از نواحی عهد قاجاریه و روز کارآمد سید ضیاء‌الله نماهی‌کاگیدار.

کاستومی در حد نویسنده رمان اجتماعی دوره اولیه، به‌خوبی از نشان‌ها به‌خوبی می‌گیرد و با بازی با نشان‌ها آنچه را به عنوان نویسنده‌ای معین در نظر داشت مطرح می‌کند. از توانسته، با وی از مجموعه قرار دادن، در نظام نشانه‌ای متفاوت، قیصر و غنی، اوضاع نابسامان، اختلاف طبقاتی، نظام دو قطعی، ضعیف کشی و...، را به‌راحتی نشان دهد.
نوسنده در ابتدایی داستان اجتماعی خود سعی داشته جریان روان فکری قشر بود.

و نویسنده یکی از پژوهشگران این پژوهش در مورد این نظر به نمایش گذاردن به فرهنگ نمایندگان به شمار می‌رود. کافی است بیان را و دانست که در همه جای داستان حضور دارد و آگاه‌شدن و با ظرافت نشانه‌ها در جای مناسب به کار می‌برد تا زوایای بهتر، زندگی‌های سیاسی، اجتماعی، فضایی، زندگی‌های جامعه و... را ترسیم کند. با این که داستان شرح

دلگذاری در جوان عاشق است اما این موضوع فقط دستاوردی است برای بیان شرایط

اجتماعی سیاسی؛ هرچند جلوه‌های سیاسی آن بسیار محدود است و کمتر به طور

شفاف و مستقیم نشان داده می‌شود. خوانندگی آگاه و تاریخ خوانندگی می‌تواند از زردهای

داستان، بیان و درون‌مایه آن را در کند. تهیه مخوف با مشی سیاسی نگاشته شده و

رومی جریان‌زا و تأثیر گذار بوده است که با داشتن روایت علایم و ساده، پی‌هدف و

سر گران نیست.

این داستان خوانده را به تفکر و امید دارد که در اجتماع آن روز تا بدلی حد آشته و

و بی‌سیمای است؟ چرا زنان حتی برای خواندن یک کتاب، در گوگ‌ها هستند؟ چرا فقر و

بی‌عملی بیداد می‌کند؟ چرا طبیعه فنودال و نیازتار آزادی طلقین و افسار، گسیخته‌ای

دارند؟ و چرا همیشه گذشته یک پای‌های همگی روش و بدلی‌ها است و حتی خود نوسنده در

خلال داستان به گوگرد می‌آید و از آشته بازار آن عصر شکاک‌ها دارد و سعی می‌کند

افکار خود را به ذهن خوانندگی مسلت کند و به او نشان دهد که حتی پاد غیبار آلوه آغاز

داستان به دلیل و بی‌شناسی نیوپژر است.

۱. مخفی کاظمی (۱۲۶۱ ش. ـ ۱۳۵۶)در خوانندگی یکی از مستندگان حکومت فقیر در تهران به

دنبای آمد. خوانندگی مادری او نیز از دربارتی و منصوب‌اند از امور لفظی یک دو، از مدارس مهره تهران، اقدامی و گریزوی و دارکفون، درس خوانندگی و مطالعه رمان‌های اروپایی میل به تقلید از آنرا در اول پیدا و توانست طوفان درونی آور و با تصویری از گذشته میکنیب مفاوضه
اجتماع آن روز و اتفاق از هم‌آمیزی‌های متعدد نسخه‌های شناسی در در آمیز روز و افزایش اتفاق‌های جدید و تغییر‌های اجتماعی. تصمیم به تشکیل فرگنستان گرفت، مشخص که کشور به عنوان مدیر آن برگزاری رهبر و سید محسن تقویزاده و محمدعلی قلی‌زاده و کاظم‌زاده ایرانی‌ها از میان ترین روشن‌نگاران و روش‌های ایرانی می‌باشد. وی در سال ۱۳۶۱ بر اثر حادثه‌ای کشته شد (میر عباسی، ۱۳۸۲: ۲۰–۲۱)。

۲. روزنامه‌نویس و مدیر منابع روزنامه‌نویس و سیاست‌مدار و یکی از عاملان کودک‌های سوم اسفند ۱۳۴۹ بود که رضاخان بعد از کودکی را نخست وزیر کرد. اما بعد از توده حکومت کابینه که به ادای سیاسی معروف بود، به‌طور ناخخش‌تر همکاری کرد. و او از بین مجازات شده‌اند از ایرانگیخت و خود را به تغییر رساند (صفه‌ای، ۱۳۵۸: ۳۸-۳۹).

(M.H. Abrams, AGlossary of Literary Terms)

۳. همچنین افرادی که جوان می‌رود، به‌طور معمولی از انجام پیش‌تر رجوع کنند به داشتن‌های تئوری‌های ادبی معاصر از ایرانی‌ها مکاریکت‌ید نشان‌نشانی.

۴. جوانی از یک خانواده فقر (فرح) دبایخته دختر عمه‌عام (مهم) از خانواده‌ای اشرافی و متعین است. پدر مهیب به سودای مال و مقدام درصدی است دختر را به خواستگار نرومندی و هزدار (سیاوش میرزا) بدهد. فرح در پی حادثه‌ای در جریان مرگ‌های سیاوش میرزا فرار می‌گیرد، ولی به علت عصر خیبری که دراد پکن‌یار چنین از مرگ نجات می‌دهد و هم‌زمان زن ورشوی را که به فحشا اتفاقا به خانواده‌ای بازمی‌گرداند. گرچه در این صفت مهیب از فرح حامله شده است، مریلی زنانه‌ای با سیاوش میرزا محبت‌نگار مطهر است. مکاریکت‌های فرح عنوان‌های انتظار به سیاوش میرزا و دادی تویانه‌ای را به دست از نامه‌ها دستگیر می‌کند و به تبعید می‌رسند. به دنبال این حادثه مهیب فرزندش را به دنبای ام ود و خود از غصه می‌بهرد و ازدواج مصالحی به هم می‌خورد و فرح در راه تبعید فرار می‌کند و به خریداران و ازدواج مصالحی به هم می‌خورد و فرح در راه تبعید فرار می‌کند و به خریداران...
با کو می‌رود و مدتی بعد با انقلاب‌های روس به ایران بر می‌گردد و سپس به تدریج فراق ملحمه می‌شود و با آنها در فتح تهران شرکت می‌کند.

فرخ ظاهراً به آرمان خود برای مبارزه با فشای ناپیوسته است‌اما پس از یکصد روز کاری‌گاه کودتا سقوط می‌کند و او ضعع به حال اول بر می‌گردد. کاری از دست فرخ ساخته نیست جز آن که به تریب فرزنده‌که از مهیه دارد دل خوش کند.

جوانی که تن‌شنه از پارچه نازک اریشمی به رنگ زرد مروفه بچوچوچه در بر داشت و کراوات ییزدوریکی بر گردن به‌یاد آورده است از درخشک نیایه‌شده (۱۸۱). سردایی از ماهوت آبی رنگ که در پشت سر نمایی زیبایی داشت بر تیوکرده و زیر آن مرادیگی یوشیده و روی آن شال اریشمی الون به کمر بسته بود، شلوارش هم گنشاد و از هم‌مان ماهوت آبی رنگ بود (۸۳).

۷ این شخص صاحب قهوه‌خانه بود، کلاه به‌زرگ نمادی بر سر داشت و لباس‌های عبایت از مرادیگی‌ای پارچه فستونی بود که جنده وصله‌ی برگ از پارچه‌های رنگ دیگری به آن زده‌شد، بو، شال کلفته بر روی کمر بسته بود (۹).

لباس بی‌نادای زوال‌هده و مدرسه در پر و سر و وضع‌نشن‌نام داد که شخص دست‌بندگ و گرفتار است (۱). ۸

۸ نامه‌های این جوان سیاسی بسیار زیبا شاهزاده‌که از شاهزادگان معروف تهران بوده، گرجه‌ی پدرش هنوز در رنگ تلویزیونی نابینایت یا به حسن ملاکینی بود (۳۸).

۹ از این دو خیابان یک عده کچه‌های باریک مننشین‌ی چرخ‌های کوچکی می‌گردید، در بالای سر یکی از خانه‌های این دو خیابان و کچه‌ها که گرا در فن مناسبی کوچکی دیده می‌شد که اغلب شب‌های تازی داشتند، عدا کسی به رفتار عاریان دقت می‌نمود می‌دید که یکی از آنها در پیچ و خم کچه‌ها پس از آن که اطراف خود را لحظه‌ای مگریستند، دندکی وارد خانه‌ای شدن و برخی دیگری به برادران به نظر می‌آمدند علناً مقابل یکی از خانه‌ها استاده‌اند در را می‌کویند (۴۴).
زبان و ادبیات فارسی، سال ۱۸، شماره ۷۷

۱۰. ابتدا معلوم است یک چنین زن بیجاراری یک در اثر بی‌سیب و بی اطلاعی محیط افکارش از دیوار خانه سکونت تجاوز نمی کند و با این طریق عصب‌بینی بدون این که بدانند و به‌فهمد ازدواج نیز همسر آقای ف. السلطنه گردیده بود (۱۹).

به نظر می‌رسد که این دختر ندان از این حرف‌ها را می‌زنند (۲۷).

۱۱. یک‌پاره بر مرگ‌زای ظاهری که آدم سختی به نظر می‌آمد به‌بسیاری به‌اندازه رونق و داشت جواب داد: هیچ عواملین چنین نیست قدری خیالات بی‌خود به سرم افتاده (۷).

اما طبیعته به این قسمت اکتفا نکرد. دلتنگی و افسردگی این خانواده با این عزا تمام نشد چند روز بعد از مردن، استاد علی مرضی و دانش‌پژوه رضا شمین. (۹).

او جواب با حالتی محروم گفت: بله عموجان چند روز است که با استاد حرفم شده من هم دیگر با او کار نمی‌کنم (۷).

صاحب منصب آزان بدون این که اعتیاد به آه و ناله نایهید، بکند (۱۰).

دختر بسی زیبا بود. قیمتی طالبی و جشنی آبی رنگی و بهاری و لباس نازک و سرخی داشت و در این موقع آثار خوشی زیادی در جهرم‌های یوپی بود (۱۴).

اینک آقای ف. السلطنه‌هم روتوش سفارشی به قاضی آورده و دیگر به هیچ وجه حاضر نیست با خوش‌مانی و تزییدکان خود که با دل به‌نام‌بندی روزگار و با بر سر این که خواسته‌ی بودند مانند او به هر کاری تن در ده‌هه‌هی دست مانده‌بودند، هم‌صحت و هم‌قدم گردید و با کمال بی‌شرمی و بروز این آنان را تحقیر می‌نمود (۱۵).

ف. السلطنه قرب نیم ساعت در این حالات عصبانی باقی بود بالاخره سر برداشت (۲۷).

خانم لبخندی هزیه‌ست خود را به طرف شاهزاده کا... دراز کرد و شاهزاده هم که معلوم بود مفتون حسن جمال خانم شده دست خانم را دو دست گرفته با کمال علاقه تزییدکان لب خود برید (۱۹۹۹).

آقازاده حضرت افکار والا اگر تحسیلی هم نکند و چهار هم یاد نگرد حسن که پشت مزری بر روی صندلی ریاست نشست یک اختیار هیئت تمام زیرسنگدان را می‌گیرد و همه خواهانی
نخواهی از ترس به او احترام می‌کند. چرا برای این که خودش برزگ‌زاده بوده و فشارش برگمنش و لباس حکم‌فرمانی بر قائمش براندنش است (۱۸۰).

۱۲ آزاد هم با عجله تمام کاش کوچک می‌سی و قرصی از نان و کوزه آبی در پیش او گذارد (۲۶۶).

جواد حالا احساس گرسگی در خود می‌کرده؛ به علوا کنچکار بوده تا بداند در آن کاسه می‌چسب. پس دستش را به طرف کاسه برده و نوک انگشتان در مایع غیظ و سردی فرو رفته و جون آن را به دهان برده مزه آن کشک بیدی را چشید (۲۶۶).

۱۳ عصر روز درنشین هدف‌هم ماه شعبان از غرفه تا وداع همکاران کشی رأی نمی‌دهند تا نویسنده را دچار احتیاج سیاسی نکند. اما سختی در تهران پایتخت کشور ایران همان کشوری که در مقابل عالم به داشتن تمام کهن و شرای بزرگ و نامی مخفی است می‌وزید و گرد و خاکی که برخاسته بود عبور و مرور در خیابان‌ها را برای مردم مشکل و دشوار می‌ساخت. نهرا عده‌کمی دیده می‌شینند که گویی اجباری در این هواه طوفانی و پر گرد و خاک از منازل خود خارج شده و هر کدام به طرفی می‌رفتند (۵).

منابع
آرین، پور، یحیی (۱۳۷۵) از صبا تا نیما. چاب ششم. تهران: زوار. احمدی، علیک (۱۳۸۳) از نشان‌های تصوری تا متن. چاب چهارم. تهران: مرکز.

استقلال، رابرت (۱۳۸۳) درآمد بر ساختارگرایی در ادبیات. ترجمه فرمان طاهری. چاب دوم. تهران: آگه.

اهلگون، تری (۱۳۸۰) بیش درآمدی بر نظریه‌ای دیگر. ترجمه عباس محمدر. چاب دوم. تهران: مرکز.

حقیقی، مانی (۱۳۸۴) سرگشته نشان‌های. تهران: مرکز.

سجادی، فرمانر (۱۳۸۱) نشان‌های کاربردی. تهران: قصه. صفا، ابراهیم (پی.تا) کودتا ۱۴۹۹ و آثار آن. تهران: کتابخانه ملی.
ضیمران، مهدی (۱۳۸۲) دوازدهم‌ساله می‌بنم. نیشابور: قصه.
کاظمی، نصیرالدین (۱۳۴۳) نامه‌های تهران. تهران: انتشارات ایران.
گیرو، پیام (۱۳۸۰) تاریخ‌نامه کتاب‌شناسی تهران. تهران: تهران: آگه.
مکاریک، ابراهیم (۱۳۸۵) مطالعات نویسندگی ادبیات ایران. تهران: ماه نویسی.
نیوی، چاب دوم. تهران: آگه.
میراعلی‌پناهی، حسن (۱۳۸۶) مقدمه‌ای بر تاریخ ادبیات داستانی و رمان‌سازی. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.